

# جان لاک و دفاع اقتصادی از استعمار\*

بحثی در چارچوب مبادی ارزشی و ایدئولوژیک لیبرالیسم\*\*

ترجمه از: علی شهبازی

تحقیق از: باربارا آرنلی

نوشته‌های اقتصادی و مکاتبات استعماریش گرفته تا یادداشت‌های انتشار نیافته‌ای که دربارهٔ تجارت پیش‌نویس کرده بود، برمی‌آید که لاک مدافع پروپا قرص مقاصد استعماری بوده و دورساله نیز بخشی از همان سنت فکری است. بدین سان، با تأمل در ارجاعات لاک به آمریکا و بومیان آن در رسالهٔ دوم می‌توان دریافت که در نظریهٔ مالکیت و تصرف قهری وی، دفاع سختی از فعالیت‌های استعماری انگلستان در جهان نو نهفته است.

شواهد فراوانی درخصوص محدودهٔ زمانی ۱۶۶۸ تا ۱۶۷۵ که سیاست استعماری بر زندگی لاک حکمفرما بوده، موجود است. از روی اسناد استعماری کارولینا می‌توان دریافت که بیشتر نامه‌های رد و بدل شده بین رئیس مجمع مالکان و شورای کارولینا به تصویب لاک رسیده است. پاره‌ای از قوانین، منجمله قوانین موقت ۱۶۷۴، توسط وی نوشته و ارسال گردیده و یادداشت‌های فراوانی که حاوی خلاصهٔ فعالیتها بوده به دست او ثبت و ضبط گردیده است. گذشته از آن، لاک در این مدت با مقامات بلندپایه در مستعمرات باهاما و کارولینا از جمله جوزف وست (J. West)، پیتر کالتون (P. Colleton) و هنری وودوار (H. Woodward) مکاتبه داشته، و بالاخره او در کنار شافسبری عهده‌دار مسئولیت تدوین قانون اساسی کارولینا بوده است.<sup>۱</sup>

ا.ج.ار. فوکسبورن (H. R. Foxbourne)، نقش محوری لاک در ادارهٔ کارولینا را این گونه توصیف می‌کند:

«تأثیرش در ادارهٔ همه‌جانبهٔ این مستعمره بسیار بسزا، و سعی بلیغش در حفظ اموال مهاجران حیرت‌انگیز بود. تا پائیز ۱۶۷۲ مسئولیت غیر رسمی اما پرزحمت مستوفی‌گری مالکان را برعهده داشت.»<sup>۲</sup>

کاروی در شورای تجارت و مستعمرات که از سال ۱۶۷۳ تا ۱۶۷۵

دورساله در باب حکومت، نوشتهٔ جان لاک، تاکنون به عنوان اثری که به مسائل ناشی از تحولات سیاست داخلی انگلستان در دورهٔ بازگشت به نظام سلطنتی پرداخته، شناخته شده است.<sup>۱</sup> اما اهمیت سیاست خارجی انگلستان، بویژه استعمار آمریکا، تا حد زیادی نادیده انگاشته شده است. با توجه به کتابها و مکاتبات متعددی که لاک راجع به آمریکا و بومیان آن در اختیار داشته، و با توجه به ارجاعات مشخص لاک به آمریکا در دو رساله و مشارکت وی در تدوین سیاست‌های استعماری از طریق ارل شافسبری، این غفلت مایه شگفتی است.<sup>۲</sup>

با تتبع در مناقشات سیاسی قرن هفدهم پیرامون استعمار آمریکا توسط انگلستان، می‌توان به شدت این مباحثات پی برد و هم دریافت که شمار منتقدان سیاست استعماری در این دوره بسی افزونتر از حامیان آن بوده است. با افزایش میزان سرمایه‌گذاری و تعداد نیروی انسانی از سوی دولت انگلستان و مالکان در مستعمرات شرق آمریکا، موج مخالفت با «استعمار» نیز قوت بیشتری گرفت.

نویسندگان اقتصادی از جمله تامس مان (Thomas Mun)، جوزیا چایلد (Josiah Child) و چارلز دونت (Charles Davenant)، در واکنش به این مخالفت رسالاتی در دفاع از مستعمرات انگلستان نوشتند و اعلام نمودند که عواید و منافع اقتصادی که مستعمرات نهایتاً به کشور می‌رسانند به مراتب بیش از هزینهٔ اولیه ایجاد آنهاست. تشابه مطالب این گونه نویسندگان مدافع اهداف استعماری انگلستان در آمریکا و استدلال‌های مندرج در دو رساله را می‌توان به روشنی نشان داد. با توجه به مخالفت فراگیر در انگلستان با طرح‌های شافسبری برای جهان نو، این طرفداران استعمار انگیزه‌ای نیرومند برای طرح نظرات خود داشتند که البته در این میان لاک هم مستثنی نبود. از

\*\* این مجموعه که توسط آقای دکتر سعید زیبا کلام گزینش و گردآوری شده است حاوی سلسله مقالاتی است تاریخی و فلسفی که چگونگی حضور موازین ارزشی و ایدئولوژیک خاص را در رویداد و بالیدن لیبرالیسم مورد مطالعه و مذاقه قرار می‌دهد.

\* مشخصات کتابشناختی مقاله:  
«Trade, Plantations, and Property: John Locke and the Economic Defense of Colonialism», *Journal of the History of Ideas*, Vol 55: (1994), pp. 591-609.

نسخه‌ای از آن در کتابخانه لاک موجود است، «محکومیت قاطعانه استعمار»<sup>۱۱</sup> بود. در بخشی از آن چنین آمده است:

این مستعمرات را بایستی به عنوان زمینه و علل همه بدبختیهای فعلی ما تلقی کرد، زیرا اگر ماهیگیرانمان به کارهای دیگر اشتغال نمی‌یافتند و اگر میلیونها نفر از مردمی که مستعمرات ما را از وجود آنها محروم نموده و از ما گرفته است در انگلستان باقی می‌ماندند، دولت از مدتها پیش ناگزیر از تسهیل و تنظیم تجارت می‌شد.... مستعمرات به مردم وعده اسکان و رفاه می‌دهند.... آنها کراراً وطن خود را تنها گذاشته و ما را گرفتار و در بند منافع خصوصی و قوانین مخرب تجارتی کرده‌اند.<sup>۱۲</sup>

دغدغه خاطر اصلی مخالفان مستعمرات تنها تهی شدن انگلستان از افراد مفید و کارآمد نبود، بلکه واهمه آن را نیز داشتند که مستعمرات به تدریج از کشور مادر استقلال یابند و با آن به رقابت بپردازند. مستعمره انگلستان جدید بدترین نمونه این معضل بود که مدیریت آن هم از ناحیه حامیان و هم مخالفان مستعمرات، بعنوان امری مضر به منافع انگلستان، تقبیح می‌شد. جالب توجه است که این بیم و واهمه در سال ۱۶۶۳ در کارولینا یعنی اصلی‌ترین پروژه استعماری شافتسبری و لاک به اوج خود رسید. در انگلستان بسیاری از مردم معتقد بودند که این ایالت جدید می‌تواند موجب اتلاف بیشتر منابع و رقیب دیگری برای تجارت انگلیس باشد. راجر کوك (R. Coke) نوه لرد كوك قاضی نوشت:

«با این اوضاع و احوال قضاوت را به عهده خواننده می‌گذاریم که آیا تلاش در جهت کشف مستعمرات بیشتر برای تجارت این مملکت زیان‌آور است یا نه، و نیز آیا اگر طرح اسکان جمعیت در کارولینا با مابقی جمعیت انگلستان قرین توفیق گردد، تضعیف بیشتر این ملت را در پی نخواهد داشت؟»<sup>۱۳</sup>

ترس از «تضعیف» کشور توسط کارولینا چنان شدید بود که چهارروز پس از آغاز اسکان در کارولینا، چارلز دوم [شاه انگلستان] دومین بیانیه را از طریق «اعلامیه و پیشنهادهای سلطنتی برای همه کسانی که می‌خواهند به کارولینا مهاجرت کنند» صادر نمود که در آن از این موضع حمایت شده بود که مستعمرات صرفاً باید در خدمت منافع انگلستان باشند:

«اعلیحضرت و شورای سلطنت با ملاحظه کامل اهمیت دو لایحه مصوب اخیر برای افزایش کشتیرانی و دریانوردی در ارتباط با تجارت و کسب درآمد، و به منظور حفظ وابستگی دائمی مستعمراتش، فرمان دادند که نهایت سعی و کوشش در جهت رعایت مفاد آنها به عمل آید.»<sup>۱۴</sup>

وظیفه دفاع از استعمار در برابر افکار عمومی که در بهترین حالت بدبینانه و در بدترین حالت خصمانه بود، به عهده دستگاههای مسئول سیاستها و مستعمرات مربوطه افتاد. به بیان چارلز لوکاس، شافتسبری و لاک در کارولینا وظیفه دفاع از سیاستهای انگلستان در جهان نورا به عهده گرفتند. «شافتسبری و لاک مدافع اسکان مهاجران و تشکیل مستعمرات جدید بودند.»<sup>۱۵</sup> در سال ۱۶۷۱، هنگام تشکیل شورای

منشی آن بود نیز بسیار سخت بود. جورج بیر (G. Beer)، این وظیفه لاک را چنین بیان می‌کند:

«شورای مستعمرات و شورای بزرگتر جانشین آن جمعاً چهار سال دوام داشتند که در این دوره کوتاه توانستند کل نظام کنترل سلطنتی را به میزان زیادی بهبود بخشند. آنها بطور متوسط هفته‌ای دو بار رسماً تشکیل جلسه می‌دادند.»<sup>۱۶</sup>

مشارکت لاک در تدوین و توسعه سیاست استعماری در زمانی رخ داد که بحران اقتصادی دهه ۱۶۶۰ نیاز به افزایش درآمدها را تشدید کرده بود. امکانات و منابع مورد نیاز برای تأمین بودجه جنگ با هلند، بر اثر طاعون بزرگ ۱۶۶۵ و آتش‌سوزی ۱۶۶۶ به شدت محدود شده بود.<sup>۱۷</sup> در نتیجه، اقتصاد انگلستان ضعیف بود و رساله‌های اقتصادی در جهت حل معضله چگونگی افزایش درآمدها نگاشته می‌شد. اقلیتی معدود، استعمار آمریکا را یک راه حل برای این بحران اقتصادی تلقی می‌کردند و اکثریتی آن را یکی از عوامل این بحران می‌شمردند. در نتیجه طی دهه ۱۶۷۰ بیشتر کسانی که در امور سیاسی انگلستان دخیل بودند، به تقبیح آشکار اشکال جدیدتر استعمار، و بویژه اسکان مهاجرین، پرداختند زیرا به نظر آنان این امر هم وسیله‌ای بهبود در تولید ثروت مورد نیاز بود و هم، در مقایسه با تجارت، مایه اتلاف بیشتر منابع تحلیل‌رفته کشور.

## مخالفت با استعمار

بیر جوزیا چایلد که لاک در ملاحظاتی در باب عواقب کاهش بهره به او پاسخ می‌دهد، در اثر مشهورش تحت عنوان گفتگمانی نو درباره تجارت مدعی است که مدافعان استعمار جهان نو، همانند خود او، نسبت به مخالفان یک در هزار هستند. آنجا که یک نفر با من هم عقیده باشد، ممکن است هزار نفر مخالف وجود داشته باشد.<sup>۱۸</sup> همچنین تامس مان در کتاب خود ثروت انگلستان به واسطه تجارت خارجی که «نخستین اثر مشخصاً اقتصادی است که لاک خوانده است»<sup>۱۹</sup> در حمایت از تجارت خارجی و استعمار سخن می‌گوید اما با چایلد هم‌رأی است که این دیدگاه در اقلیت قرار دارد:

این دیدگاه چنان با نظر متداول در تقابل است که برای اینکه مورد قبول توده مردم واقع شود، همان توده‌ای که با مشاهده خروج پول از کشور فریاد خشم‌شان بلند می‌شود، باید با براهین عدیده و محکم اثبات شود.<sup>۲۰</sup>

چنان که از اسناد ملی این دوره کاملاً نمایان است، این مخالفت صرفاً وسیله و ابزاری ساخته چایلد و مان برای بحث و جدل نبود. رئیس گمرک مطالب شدیدالحنی در مخالفت با مستعمرات نوشت، زیرا به زعم او «ترغیب مردم به عزیمت و مهاجرت به مستعمرات، کمالینکه بسیاری هم رفتند، منجر به تخلیه سکنه و ویرانی کشور پادشاهی می‌گردد.»<sup>۲۱</sup> همچنین، به بیان سر چارلز لوکاس، (Sir Charles Lucas)، گزارش انگلیس که در سال ۱۶۸۰ به پارلمان انگلستان ارائه شد و



انگلستان است.<sup>۱۹</sup> پاتریک کلی می‌گوید «استدلال لاک آن است که انگلستان چاره‌ای جز ترویج تجارت خارجی اش ندارد».<sup>۲۰</sup> لاک از زمان انتصابش به عنوان مستوفی ملاکین کارولینا در سال ۱۶۶۸ تا واپسین ایام عمرش، غرق در مباحثات اقتصادی مربوط به مستعمرات در آمریکا از جمله سئوال اساسی مطروحه از سوی بدبینان نسبت مستعمرات مهاجرنشین درخصوص ارزش داشتن مستعمرات به‌طورکلی بود. برای درک رابطه بین نوشته‌های اقتصادی لاک، دو رساله درباب حکومت، و مباحثه بر سر استعمار، لازم است ابتدا استدلالهای نویسندگان مدافع اهداف استعماری انگلستان، چون تامس مان، سر جوزیا چایلد، و چارلز دوننت را بررسی کنیم و سپس نشان دهیم که لاک چگونه این آراء را در دو رساله خود ادغام نموده است.

### دفاع اقتصادی از استعمار

تامس مان یکی از اولین کسانی است که از تجارت خارجی انگلستان بعنوان بهترین وسیله حصول عواید بیشتر حمایت می‌کند. تأثیر او بر لاک مهم است:

شاید مؤثرترین کتاب برای لاک، «ثروت انگلستان بواسطه تجارت خارجی» نوشته مان در ۱۶۶۴ باشد.... این کتاب نخستین اثر مشخصاً اقتصادی است که لاک خوانده است.<sup>۲۱</sup> مان با این ادعا آغاز می‌کند که اغلب مردم انگلیس مخالف این نظر بودند که تجارت موجب افزایش درآمد می‌گردد، خصوصاً اگر این تجارت مستلزم هزینه کردن پول در ابتدای کار باشد. مان و لاک با بیانی کاملاً مشابه نتیجه می‌گیرند که تجارت رمز اصلی افزایش ارزش پول است. آنجا که مان می‌گوید «پول موجب تجارت و تجارت موجب افزایش پول است» لاک نتیجه می‌گیرد که «در این صورت تجارت برای تولید ثروت ضروری است، و پول برای استمرار و تداوم تجارت لازم است».<sup>۲۲</sup> در دهه ۱۶۶۰ پول در تجارت خارجی سرمایه‌گذاری شد، اما چون انگلستان در تجارتش با جهان نو از هلند عقب افتاد، نگرانی‌ها بروز کرد. این نگرانی نهایتاً موجب گردید که مجلس عوام در سال ۱۶۶۷، مجلس اعیان در سال ۱۶۶۸ و شخص پادشاه در سال ۱۶۶۹ به تشکیل کمیته‌هایی برای «بررسی علل و زمینه‌های کاهش درآمدها و زوال تجارت در قلمرو پادشاهی انگلستان»<sup>۲۳</sup> مبادرت ورزند.

یکی از راه‌حلهایی که ابتدا توسط مان در دهه ۱۶۶۰ و در سالهای بعد توسط چارلز دوننت و جوزیا چایلد مطرح گردید، این بود که انگلستان باید فراتر از تجارت مطلوب هلند رفته و در مقیاس گسترده در آبادانی و زراعت اراضی جدید سرمایه‌گذاری کند، که این امر زمینه افزایش هرچه بیشتر ثروت است. مان در این خصوص می‌گوید:

«ثروت... هر پادشاهی، کشور یا کشورهای مشترک المنافع عبارتست از تملک آنچه برای یک زندگی مدنی مورد نیاز است. این ثروت بر دو نوع است: یکی طبیعی که از خود آن سرزمین حاصل می‌گردد، و دیگر مصنوعی که بستگی به تلاش و

جدید تجارت، شافتمسبری با متقاعد ساختن پادشاه به اینکه مستعمرات باید برای ثروت انگلستان به اندازه تجارت مهم دانسته شوند، به پیروزی کوچکی دست یافت.

«شافتمسبری با اعتقاد به عدم انفکاک مسائل مربوط به مستملکات ماوراء بحار از مسائل مربوط به تجارت... طرح ادغام آنها را در مجموعه واحد و نیرومندتر پیشنهاد کرد. پادشاه با این طرح موافقت کرد و شورای جدیدی به نام شورای تجارت و مستعمرات تأسیس و ریاست آن را به شافتمسبری واگذار نمود».<sup>۱۶</sup>

شدت مخالفت با استعمار و نیز اشتغال لاک در دستگاههای استعماری این انگیزه و تمایل را در او موجب گردید که از اهداف شافتمسبری در جهان نو دفاع کند.

انعکاس علاقه لاک به مباحث اقتصادی را می‌توان در کتابخانه اش دید، که در آنجا طبقه‌ای را به یازده اثرش در مورد تجارت اختصاص داده بود. تعدادی از این آثار در اواخر دهه ۱۶۷۰ یعنی اندکی پیش از شروع تألیف دو رساله، به طبع رسید. در میان آنها آثاری وجود داشت که «زوال» تجارت انگلیس را نسبت به تجارت هلند تحلیل می‌نمود، و همچنین شرحی از «غصب» تجارت انگلستان توسط فرانسه ارائه کرد. وی در کتابخانه اش نسخه‌ای از گزارش انگلیسی مورخ ۱۶۸۰ را نیز داشت که بیان کلاسیک مخالفت با مستعمرات آمریکا بود.<sup>۱۷</sup> لاک غیر از کتابخانه خود از طریق نوشته‌ها و آثاری که در کتابخانه شافتمسبری موجود بود از مذاکرات و مباحث تجاری آگاه می‌شد. بنا به گفته پاتریک کلی:

همان‌طور که یادداشتها و مکاتبات لاک نشان می‌دهد، [کتاب موجود در کتابخانه او] نمی‌تواند تمام چیزی باشد که وی در این حوزه مورد تحقیق و مطالعه قرار داده است. آثار دیگری در کتابخانه شافتمسبری در دسترس او قرار داشت، و... شورای تجارت... مجموعه‌ای از کتب، نقشه‌ها و نیز نسخه‌های خطی مهم در اختیار داشت که این موضوع در زمانی که بیشتر نوشته‌های اقتصادی پیش از چاپ، به صورت دست‌نویس انتشار می‌یافت، واجد اهمیت خاص است.<sup>۱۸</sup>

لاک نه تنها از جریان مباحث مطروحه راجع به مستعمرات آگاه بود، بلکه در مواردی در دفاع از تجارت و ایجاد مستعمره به عنوان وسیله‌ای که موجب بازگرداندن درآمدهای انگلستان می‌شود، یادداشت‌هایی به رشته تحریر درمی‌آورد. در میان مقالات لاک در مجموعه لاولیس (Lovelace Collection) یک صفحه از یادداشت‌های مربوط به تهیه مقاله‌ای در باب تجارت موجود است، که در آن استدلالهایی چند در دفاع از استعمار آمده است. دیگر آثاری که لاک در آنها از استعمار انگلیس دفاع می‌کند عبارت است از: «برای بومی‌سازی عمومی» و ملاحظاتی در باب نتایج کاهش بهره. این دو اثر از تجارت خارجی به منزله منبع ثروت آتیه انگلستان دفاع می‌کنند. از یادداشتها و مقالات منتشر شده و نشده لاک، می‌توان به روشنی دریافت که اعتقاد وی بر آن بوده است که آمریکا اگر درست اداره شود، کلید موفقیت اقتصادی



خدمت منافع شخصی می دانستند تا منافع ملی، و نیز لزوم جستجو در سرزمینهای وسیع برای کشف معادن مفید را مخالف خواست کشور انگلستان برای اسکان مردم و ایجاد مراکز جمعیتی در اراضی کوچک تلقی می کردند. عدم تشویق دامپروری و دامداری بدین سبب بود که به جای تقویت تجارت بین مستعمرات و انگلستان بیشتر برای رونق تجارت بین مستعمرات در داخل آمریکا مفید بود. در حالی که بسیاری از مستعمره نشینان برای کسب ثروت شخصی از دو طریق فوق تلاش می کردند، مالکان و متفکران انگلیسی همچون چایلد این کارها را برای منافع ملی مضر و آفت زا می دانستند و جدا پرهیز می دادند. افزون بر عده ای که مستقیماً در زمینه زراعت اشتغال می یافتند، صدور محصولات به انگلستان مستلزم یک ناوگان ملی بزرگ بود و بدین سان در امر کشتیرانی اشتغال بیشتری نسبت به دیگر کارها ایجاد می کرد. استخراج معادن فقط ماجراجویان را ثروتمند می ساخت و نمی توانست همانند کشاورزی انگلیسیها زندگی عده زیادی را در دریا و نیز خشکی تأمین نماید. چایلد در حمله به دلمشغولی اسپانیا به استخراج معادن در جهان نو، در مورد تمام این موضوعات به هم پیوسته چنین اظهار نظر می کند:

تلاش سخت و بی نظیر اسپانیاییها در معادن طلا و نقره... آنان را تا حدود زیادی از کاشتن زمین... که می تواند نیروی دریایی بزرگتری را به کار گیرد و همچنین زندگی شمار افزونتری از مردم را در دریا و خشکی تأمین کند، غافل ساخته است.<sup>۲۵</sup>

بدین ترتیب فعالیتهای زراعی تا اندازه زیادی ترغیب می شد، اما در زمان مور، کسانی که خواهان اسکان جمعیت بیشتری بودند کشت و زرع را به عنوان یک فعالیت کشاورزی بردامداری ترجیح می دادند. مورد یوتوپیا (Utopia) چنین بیان می کند: «از تبدیل کشتزارها به چراگاه ها، جرم نیز بدید می آید چون درآمد پشم بهتر از ذرت است» زیرا گوسفندان تمام مزارع، خانه ها و دهات را می خورند» و در نتیجه روستائینی که بدین ترتیب بیکار می شوند باید گدایی کنند یا دست به دزدی بزنند و به دار آویخته شوند.<sup>۲۶</sup> جیمز آکستل (James Axtell) مدعی است که این حمایت از کشت و زرع یکی از وجوه دیدگاه های مالکان و کلیسای انگلیس در آمریکای قرن هفدهم بوده است.

صنعت در نزد مبلغان و سیاستمدارانی که از آنان حمایت می کردند به معنای کشاورزی بود و مقصود از کشاورزی هم زراعت بود نه دامداری.... مبلغان مسیحی به محض اینکه جای پای در میان سرخپوستان باز کردند به معرفی شیوه کشاورزی به سبک انگلیسی پرداختند.... هرگاه که یک هیئت تبلیغی جدید پایه گذاری می شد، تمایل رسمی انگلیسیها به زراعت، خود را نشان می داد.<sup>۲۷</sup>

چایلد بدین صورت استدلال می کند که مستعمرات تنها در صورتی برای انگلستان سودآور خواهند بود که بتوان آنها را در یک رابطه وابستگی به کشور مادر نگهداشت که این امر از حیث تاریخی شامل دو مؤلفه مهم بود. نخست، قوانین دریانوردی به اجرا گذاشته می شد تا تضمین گردد کالاهایی که در مستعمرات برای صدور به اروپا تولید

کوشش ساکنان آن دارد.<sup>۲۸</sup>

زراعت در اراضی جدید کلید ثروت انگلستان بود. کرادوک (Cradocke) یکی از نزدیکان شافتسبری در اوایل دهه ۱۶۶۰ می نویسد: «زراعت در مستعمرات جدید در سراسر جهان، مایه افزونی کالا و بالا رفتن سطح زندگی می شود، و حاصل آن اشتغال شمار زیادی از مردم فقیر... و نیز افزایش هرچه بیشتر کشتیرانی و حاکمیت نیرومندتر ما در دریا خواهد بود.»<sup>۲۹</sup>

این آراء که ابتدا توسط مان بیان شد، در مکتوبات سر جوزیا چایلد به طور کامل تشریح شده است. لاک سه جلد از نوشته های چایلد را در کاتالوگ کتابخانه اش داشت و کتاب برخی ملاحظات را در جواب گفتار در تجارت چایلد نگاشت. چایلد در پاسخ به «برخی رجال بلندپایه که معتقد بودند مستعمرات دولت فخیمه با تهی کردن بریتانیا از مردمش به کشور پادشاهی لطمه زده اند»، اظهار می دارد آنچه برای یک ملت ایجاد ثروت می کند غنای سرزمین نیست بلکه سخت کوشی مردم است.

«اولاً قبول دارم که اراضی، هرچند بسیار مرغوب هم باشد، بدون نیروی کار مناسب، نمی تواند هیچ مملکتی را ثروتمند نماید.... بسیاری از ملل متمدن جهان به تناسب قلت یا کثرت جمعیتشان غنی یا فقیرند، نه به تناسب بی حاصلی یا حاصلخیزی اراضی شان.»<sup>۳۰</sup>

اوسپس برخلاف عقیده رایج، استدلال می کند که مستعمرات برای انگلستان به دلایل متعدد سودآور است. نخستین مطلب او اینست که مستعمره ها بسیاری از اقشار پردردسر و مساله دار همچون بیکاران یا بزهداران را که در هر صورت برای انگلستان مفید نیستند جذب می کند.<sup>۳۱</sup> وی در ادامه می گوید که بهترین شکل مستعمره، مستعمره ایست که به جای تجارت، استخراج معادن یا تصرف، بر کشاورزی مبتنی باشد. لذا چایلد هلندیها را مورد انتقاد قرار می دهد زیرا:

هیچ پیشرفتی در کشاورزی صورت نداده اند. آنچه آنها در هند شرقی انجام می دهند، تنها جنگ، تجارت و احداث شهرک و دژهای نظامی در سواحل است برای حفظ تجارت انحصاری با مناطق و مردمی که مغلوب آنها شده اند، نه کارهایی که انگلیسیها کرده اند، یعنی تسطیح و شخم زدن اراضی و کشاورزی.<sup>۳۲</sup>

وی همچنین می افزاید «فرانسه... پیشرفت قابل توجهی در امر کشاورزی نداشته است.» و بالاخره راجع به اسپانیا می نویسد: «در مقابل هر پنجاه قطعه زمینی که انگلیسیها... تسطیح و احیاء کرده و به همان تعداد خانه که ساخته اند، اسپانیاییها فقط یک قطعه زمین احیاء نموده و یک خانه ساخته اند.»<sup>۳۳</sup>

انگلیسیها در امر کشاورزی بهترین بودند. آشکال دیگر کار که توسط مستعمره نشینان انگلیسی صورت می گرفت برای منافع کشور کم سودتر تلقی می شد. حامیان مستعمرات اغلب بویژه استخراج معادن و دامداری را تشویق نمی کردند. آنان استخراج معادن را کاری عمدتاً در



تأسیس کارخانه‌ها و عرضه پوشاک و خوراک به همسایگان نشان را داشته باشند نزدیکی شان به یکدیگر و نیز قیمت‌های ارزان مزیت‌هایی برایشان به زیان این کشور (انگلستان) فراهم نمود که می‌تواند دارای عواقب وخیمی باشد؛ لکن این نگرانی بیهوده است زیرا، سکنه جدید، بویژه در کشوری با آن وسعت زیاد، با دآمداری، کشت و زرع، آباد کردن اراضی، ساخت پرچینها و همچنین بنا کردن ساختمانهای ضروری خود را در وضع بهتری خواهند یافت تا اینکه به ایجاد کارخانه‌های صنعتی بپردازند.<sup>۳۸</sup>

کشاورزی، یعنی تسطیح زمین و شخم زدن و کشت آن، نه تنها روش انگلیسی ایجاد مالکیت است، بلکه در مستعمرات شکل مرجح وابسته نگهداشتن و دور داشتن آنها از رقابت با کشور مادر بخصوص در تولید صنعتی است.

### لاک و دفاع اقتصادی از استعمار

لاک هم در نوشته‌های اقتصادیش و هم در دو رساله، از حقوق و فواید اقتصادی اسکان استعماری در آمریکا دفاع می‌کند. دیدگاه او با آراء چایلد، دوننت و دیگر مفسران برجسته در زمینه تجارت در آن زمان سازگار است. از آنجا که حمایت لاک از اسکان استعماری، همانند دیگر متفکران، خلاف عقیده رایج بود، وی برای طرح نظرات خود از هر فرصتی استفاده می‌کرد. همبستگی متقابل و ترابط دو رساله و نوشته‌های اقتصادی او با آثار متفکران اقتصادی فوق‌الذکر بسیار چشمگیر است.

لاک همچون چایلد، معتقد است ارزش مالکیت نه با مقدار زمین یا حاصلخیزی آن، بلکه با تلاش و کوشش، یا به تعبیر لاک کار معین می‌شود. از این رو لاک می‌گوید کار نه تنها منشأ مالکیت است بلکه «بخش اعظم ارزش آن را تشکیل می‌دهد»، و «زمین حاصلخیزی که مستعد تولید فراوان است... به علت آباد نشدن از راه کار» واجد هیچ ارزش واقعی نمی‌باشد.<sup>۳۹</sup> وی همچنین نظریه ارزش کار را در نوشته‌های اقتصادیش راجع به تجارت بیان داشته و می‌گوید «در تمام صنایع قسمت اعظم ارزش در کار نهفته است».<sup>۴۰</sup>

لاک در «رساله دوم»، مانند چایلد و دوننت، اغلب راجع به کار برحسب کشت و زرع و فعالیت کشاورزی به جای استخراج معدن، دآمداری، تولید صنعتی، یا دیگر اشکال کار که می‌تواند از حیث نظری به یک میزان ایجاد مالکیت کند سخن می‌گوید. بدین سان لاک در نخستین تعریف از منشأ مالکیت زمین می‌گوید:

«فرد به اندازه‌ای که زمین را شخم می‌زند، می‌کارد، آباد و احیاء می‌کند و از آن محصول برداشت می‌کند، مالک آن می‌باشد. او با کار خود، گویی آن را حصار کشیده و از اموال عمومی تفکیک می‌کند».<sup>۴۱</sup>

فصلی که لاک در باب مالکیت نوشته، یکسره آکنده از ارجاعات و عطف نظر به کار کشت و زرع در زمین، خصوصاً شخم زدن به جای

می‌شود مستقیماً با کشتی‌های انگلیسی به کشور مادر برود. دوم، مقرراتی تدوین می‌شد که تولید محصولات لازم، یعنی محصولات مفید برای انگلستان را در مستعمرات تضمین می‌نمود. انگلستان مشخصاً خواهان کالاهایی چون شراب، خشکبار، میوه‌های مغزدار و روغن بود که در آن زمان از کشورهای اروپای جنوبی وارد می‌کرد. وابستگی، بازگشت منافع به انگلستان را تضمین می‌نمود. چایلد در ادامه می‌گوید که افزون بر این، نیاز مستعمرات به مصنوعات اساسی ساخته شده که تولید آنها در جهان نو [آمریکا] ممکن نبود، مایه ایجاد اشتغال برای کسانی می‌شد که آنها را در انگلستان تولید می‌کردند. لذا به گفته چایلد «اگر تجارت در مستعمرات مذکور را به انحصار انگلستان درآوریم... هر انگلیسی در آمریکا برای چهار نفر در انگلستان اشتغال ایجاد خواهد کرد».<sup>۳۳</sup>

این آراء از سوی یکی دیگر از مدافعان بزرگ مستعمرات یعنی چارلز دوننت که تصریح می‌کند شخم زدن زمین بهترین شیوه توسعه است تأیید و تکرار می‌شود. دوننت هم مانند چایلد استدلال می‌کند که تصرف و تسخیر سرزمینها شکل مشروع مالکیت نیست، و لذا به این علت به دولت عثمانی حمله می‌کرد که «قلمرو حاکمیت خود را به جای شیوه‌های مسالمت‌آمیز با تصرف گسترش داده بود».<sup>۳۴</sup> بنا به نظر دوننت، گسترش حوزه حاکمیت از طریق تسخیر سرزمینها یا جستجو برای اکتشاف معادن طلا سلامت یک امپراتوری را به خطر می‌اندازد. توسعه و تصاحب املاک از طرف دولت انگلستان یا نمایندگان آن صرفاً باید به اراضی قابل کشت منحصر شود.

همچنان که بسیاری از امپراتوریه‌ها به علت گسترش بیش از حد مناطق تحت سلطه خود و نیز توسعه بیش از حد اراضی خود، نابود شده‌اند، منافع ما در آمریکا نیز ممکن است در نتیجه دست‌یابی به ایالات بیشتر و مناطقی وسیعتر از حدی که می‌توانیم زیر کشت ببریم یا از آنها دفاع کنیم به خطر افتد.<sup>۳۵</sup> از این رو، او بسیاری از مشکلات ویرجینیا را ناشی از تملیک اراضی وسیعی می‌داند که کشت نشده بود: «صدها هزار جریب، به بیان آنان، تصاحب شده اما زیر کشت نرفته است... این اعمال بدون تردید یکی از عوامل عمده ایست که سبب شده مستعمره مادر ویرجینیا موفقیت چندانی نداشته باشد».<sup>۳۶</sup>

راه حل از نظر دوننت دارای دو وجه است: اول، «تلاش در محدود کردن وسعت این ناحیه و در عین حال اسکان جمعیت بیشتر در آن، و در نتیجه قرار دادن آن در شرایطی مستعدتر برای بهبود و دفاع از خود».<sup>۳۷</sup> دوم، تدوین چیزی شبیه قوانین کشاورزی... برای جلوگیری از تصاحب لجام‌گسیخته و شیدانه اراضی... چون که مانعی در برابر کار و تلاش سایرین است».<sup>۳۷</sup> دوننت صراحتاً کشاورزی را بر تولید صنعتی در مستعمرات ترجیح می‌دهد، زیرا این صنایع با شرکت‌های انگلیسی که صادرکننده چنین تولیداتی به جهان نو هستند به رقابت خواهند پرداخت. او مانند چایلد معتقد است که یکی از فواید بسیار مهم کشاورزی ایجاد مشاغل صنعتی در انگلستان است: «درست است که اگر آنها در نیوانگلند یا دیگر نواحی، قصد



طرح شده بود بیان می‌کند. اصل اول اینست که بیشتر کالاهای صنعتی مورد استفاده کارگران در آمریکا باید بوسیله کشتی برایشان ارسال شود، یعنی این کالاها در انگلستان ساخته می‌شوند نه در آمریکا. این کار موجب اشتغال در مراکز صنعتی انگلستان می‌شود. دوم اینکه، نفس ساختن و استفاده از این کشتی‌ها به منظور حمل این کالاها از کشور مبدأ (مادر) به جهان نو، هم موجب پیشرفت صنعت دریانوردی و هم موجب اشتغال در صنعت کشتی‌سازی در کشور مادر می‌شود. این دو اصل مبنای این ادعاست که مستعمره آمریکا اگر به خوبی اداره و کنترل شود، منافع انگلستان را تأمین می‌کند. از این رو، قانون حمل و نقل دریایی سال ۱۶۶۰ دو هدف اساسی را دنبال می‌کرد: «تضمین پیشرفت کشتیرانی و دریانوردی انگلیس» و «حفاظت از منافع تجاری بریتانیا».<sup>۴۶</sup> با انتقال کالاهای صنعتی از انگلستان به آمریکا به وسیله کشتی‌های انگلیسی، چنان که از «رساله دوم» لاک مستفاد می‌شود، زراعت «یک جریب زمین... در آمریکا» به نتایج سودمندی که در بالا ذکر شد و همواره مورد استفاده مدافعان سیاست تجاری انگلستان قرار گرفته، منجر می‌شود.<sup>۴۷</sup>

خود لاک آشکارا در یادداشتهایی که در سال ۱۶۷۴ برای نگارش مقاله‌ای در باب تجارت تهیه کرده بود، می‌گوید «تجارت دو جنبه دارد»: اول «تولید [صنعتی] است... که کالاهایی را برای مصرف آماده می‌کند»؛ دوم «دریانوردی و کشتیرانی تجاری».<sup>۴۸</sup> به همین صورت، وی در مقاله منتشر نشده‌ای می‌نویسد که «تجارت خارجی شامل دو بخش است، تولید [صنعتی] و حمل و نقل دریایی».<sup>۴۹</sup> چایلد و دوننت هم در دفاعشان از مستعمرات انگلستان در آمریکا، این دو جنبه را لحاظ می‌کنند. در حقیقت، در میان مقالات لاک در مجموعه لاولیس مقاله‌ای با عنوان «در باب مستعمرات آمریکایی» موجود است که دفاع چایلد را با این دو اصل مرتبط می‌سازد.

سر جوزیا چایلد در کتاب خود درباره تجارت، تصدیق می‌کند که مستعمرات دو سوم کشتیرانی ما را شامل می‌شود که با لحاظ نمودن صنعتگران، معیشت قریب دو هزار نفر را در انگلستان تأمین می‌کند.<sup>۵۰</sup>

لزوم حمل کالاهای صنعتی به جهان نو از طریق دریا، چیزیست که لاک به علت دریافت تقاضاهای مکرر درخصوص ارسال ابزار و پوشاک در تجارب استعماری خود با آن آشنا بود. جوزف وست، فرماندار کارولینا، و سر پیتیر کالتون، در جزایر باهاما، هر دو «کمبود شدید مایحتاج» در مناطق خود را مستقیماً به لاک نوشتند.<sup>۵۱</sup> در ماه مه ۱۶۷۴ رئیس ملاکان در جواب تقاضای دیگری از کارولینا نوشت «ما مقادیر دیگری پوشاک و ابزار فرستادیم».<sup>۵۲</sup>

مردود شناخته شدن روش هلندیها یا اسپانیاییها در ایجاد مالکیت زمین از طریق تسخیر و تصرف، از سوی چایلد، در فصلی که لاک در باب تسخیر اراضی نوشته نیز منعکس شده است. وی در این فصل در موضعی که خود آن را «آموزه‌ای غریب» نامیده، با قاطعیت می‌گوید که غلبه و سیطره بر دیگر مردمان متضمن حق مالکیت بر مستملکاتشان نیست.<sup>۵۳</sup> انگلیسیها در پی کسب مالکیت ارضی از راههای

دامداری است. او از «احیای» زمین، انسانی که «شخم می‌زند، کاشت و برداشت می‌کند»، از «آبادانی، کشت و زرع یا برزگری»، از زمین «شخم زده و درو شده»، و «مرتع، زراعت یا کشاورزی سخن می‌گوید».<sup>۴۲</sup> همچون دوننت که می‌گفت مهاجرانی که به جای کار صنعتی یا دیگر اشکال کار به کشاورزی بپردازند «حاصل بهتری خواهند داشت» و برای مصالح انگلستان مفیدترند، یا مانند چایلد که مدعی بود کشاورزی در مقایسه با هر نوع فعالیت دیگر «زندگی شمار بیشتری از مردم را تأمین می‌کند»، لاک هم کار کشاورزی را تقریباً یکسره بر همه اشکال دیگر کار رجحان می‌بخشد.

این که انگلستان، چنان که چایلد در اشاره به اسپانیا و فرانسه معتقد بود، در این نحوه کار بر همه کشورهای برتری دارد، امریست مورد تصدیق و تصویب لاک. در یادداشتهای لاک درباره «تجارت در سوند، دانمارک، و نیوانگلند» مطلب زیر راجع به کشاورزی مستعمرات سوند آمده است: «کار ۱/۲ ارزش نسبت به انگلستان».<sup>۴۳</sup> رابطه بین کار و ارزش حاصل در رقابت برای کسب منابع و ثروتهای سرزمین استعمار شده امر مهمی است و البته لاک در مبحث مالکیت تقریباً بطور مشروح بدان پرداخته است. بویژه او استدلال می‌کند که اگر کشاورزان دونهشایر زمینهای آمریکا را در دست سکنه بومی آنجا وانگذارند و در عوض روی آن کار کنند، ارزش آن زمینها صد برابر می‌شود:

می‌پرسم آیا در بیشه‌زارها و زمین‌های آباد نشده پهناور آمریکا... هزار جریب زمین آباد نشده، شخم نخورده یا کشت نشده به اندازه ده جریب زمین آباد و به همان اندازه حاصلخیز در دونهشایر تسهیلات زندگی برای سکنه نیازمند و محروم آن فراهم می‌کند؟<sup>۴۴</sup>

لاک همین طور با چایلد هم‌رای است که یک کشاورز در آمریکا، نه تنها موجب بیکاری در انگلستان نمی‌شود، بلکه به علت نیاز به وسایل مصنوع ضروری و توسعه کشتیرانی برای حمل و نقل آنها، مایه ایجاد مشاغل بسیار می‌شود. لاک هرگاه صحبت از ارزشی می‌کند که کار به زمین می‌دهد، یک جریب زمین در آمریکا را مثال می‌زند. وی معتقد است ارزش حاصل از این کار از کشاورزان در آمریکا فراتر می‌رود و شامل سازندگان ابزارها، کشتی‌ها، و تجهیزات، که برای تکمیل امر برداشت «غله» و نیز پخت نان مورد نیاز است می‌شود. او بیان می‌کند که تهیه «فهرستی از اشیایی» که فقط در انگلستان تولید می‌شود، از جمله «تمام مواد مورد استفاده در کشتی که اجناس مورد استفاده کارگران بخشهای مختلف کار را حمل می‌کند»، ضروری می‌باشد. نکته درخور تأمل، شباهت آشکار مواد فهرست شده در دو رساله با آنهایی است که از سوی تامس مان در دفاعش از تجارت انگلستان از طریق منافع اقتصادی حمل و نقل دریایی، ارائه شده است. وی، همانند مان، معتقد است که ارزش کشتیرانی و تمام مایحتاج آن را بایستی هنگام ارزیابی ارزش مستعمرات و کار مصروف در «یک جریب زمین... آمریکا» که در ابتدای این پاراگراف ذکر شد، به حساب آورد.<sup>۴۵</sup>

لاک در این پاراگراف مهم از «رساله دوم»، دو اصل عمده در دفاع از تجارت انگلیس را که ابتدا توسط نویسندگان اقتصادی فوق‌الذکر



وجود دارد هرکسی مجاز است از زمین بایر مازاد بهره برداری کند.<sup>۵۹</sup> بدین سان، کار مسالمت آمیز روی زمین بایر و تجارت است که به جای تصرف، هم مالکیت عادلانه بر جهان نو و هم شیوه برتر استعمار را فراهم می کند.

لکن این کار صلح آمیز روی زمین باید در محدوده فعالیت و تلاش افراد انجام گیرد تا مستعمره بتواند به زندگی خود ادامه دهد. دوننت معتقد است که گستره مستعمره باید تا جایی پیش رود که «می توانیم... زراعت کنیم»، و تصاحب املاک هیچگاه نباید «مانع فعالیت و تلاش دیگران شود». <sup>۶۰</sup> لاک هم در «رساله دوم» به همین صورت حدود تصرف املاک را به میزانی که بتوان کشت نمود محدود می کند تا بدین ترتیب دسترسی سایر افراد علاقمند به انجام فعالیت مشابه روی زمین را تضمین نماید. «انسانها بواسطه کارشان و هر یک به اندازه مورد استفاده خود دارای حق تصرف بر مواهب طبیعت هستند؛ اما در جایی که هنوز این نعمت در حد زیاد باقی مانده، این حق نمی تواند بیش از اندازه و به زیان دیگران که به همان میزان تلاش می کنند، باشد.»<sup>۶۱</sup>

نگرانی لاک در مورد تصرف زمین در حد بسیار زیاد، همانند نگرانی دوننت و چایلد، ریشه در تجربه مستعمرات داشت که در آنجا غالباً زمینهای وسیعی بدون اینکه افراد کافی برای کشت و زرع آنها در اختیار باشد، به تملک افراد درآمده و حتی محصور شده بود. اصل تحدید زمین بر مبنای آنچه می تواند زیرکشت رود، برای کسانی که بر مستعمرات نظارت می کردند، یک اصل اساسی بود. رئیس ملاکان در کارولینا در مه ۱۶۷۴ نامه ای به شورا فرستاد که در آن مهاجران به علت قصور از «... رعایت دستورهایمان... مبنی بر اینکه بیش از حد مورد استفاده خود اراضی را تصاحب نکنند... که نتیجه آن آبادیهای پراکنده و قطعات وسیع املاکی است که به این زودی کشت نخواهد شد، و بازداشتن دیگران از نزدیک شدن به آنها»<sup>۶۲</sup> مورد نکوهش قرار گرفته بودند. بالاخره، بنا به نظر چایلد، چیزی که در پیشرفت مستعمرات نقش عمده دارد، و نیز علت شکست اسپانیائیهایی بوده است، تأمین آزادی و حفظ مالکیت در پرتو قوانین درست و اداره دقیق اراضی مهاجران در مستعمرات می باشد:

گرچه مستعمرات ممکن است اسپانیا را از جمعیت تهی کرده باشند، اما این امر دال بر آن نیست که آنها انگلستان یا هلند را نیز خالی از سکنه کرده یا خواهند کرد؛ زیرا جایی که آزادی و مالکیت به درستی تأمین نشده باشد... عواید مستعمرات... به کشور مادر بازگردانده نمی شود، بلکه نصیب کشورهای دیگر می گردد... در نتیجه، مستعمراتی که بدین نحو اداره شوند موجب تهی شدن کشور مادر از جمعیت خواهند شد.<sup>۶۳</sup>

اگر بنا بر حفظ مالکیت باشد، تخصیص زمین اکیداً باید در حومه شهرکها صورت گیرد، چنان که شافتسبری در نامه ای به سر جوزف ایمنز اهل کارولینا در سپتامبر ۱۶۷۱ می نویسد: «یک شهرک در مکانی مناسب، به مراتب بیشتر مایه اعتبار، امنیت و منفعت ماست تا ده برابر همان جمعیت که در اطراف کشور پراکنده شده باشند.»<sup>۶۴</sup> لاک در «رساله دوم»، مالکیت بسامان و نیز قوانین مدون را تصدیق می کند.

مسالمت آمیز به جای توسل به روشهای قهرآمیز بودند. ترجیح تملک زمین از طریق کار و تلاش، بر تملک از راه اعمال زور، در مکاتبات استعماری، نوشته های اقتصادی و نیز فصل شانزدهم از رساله دوم لاک انعکاس یافته است. لاک در نامه ای به تاریخ ۱۳ مه ۱۶۷۱ به خط خود به فرماندار کارولینا رهنمودهای زیر را داده است:

ما هیچ مزیتی در زندگی از طریق تجاوز به نوامیس و غارت برای ملت خود قائل نیستیم؛ نه این کار را می کنیم و نه اجازه انجام آن را خواهیم داد. کشاورزی و تجارت هم مقصود ماست و هم مصلحت شما در آنست و چنانچه از دستورهای ما پیروی کنید، راهی بر شما خواهیم گشود که تمام ثروت اسپانیائیهایی را در آن کشور تصاحب نمایید.<sup>۵۴</sup>

لاک در برخی ملاحظات می نویسد:

برای کسب ثروت دو راه بیشتر وجود ندارد، تسخیر و تصرف عدوانی یا تجارت... هیچ کس تا این اندازه خام نیست که اندیشه تحصیل سود و منافع به ضرب شمشیر و... تبدیل کشورهای مغلوب به ویرانه را در جهان بپذیرد. و لذا تجارت تنها راهیست که برایمان باقی می ماند... زیرا این امر که مطلوب و متناسب با موقعیت ما و نیز پیشه و کار و تمایلات مردم ماست... طبیعتاً به نفع ما می باشد.<sup>۵۵</sup>

نظریه لاک درباره تسخیر و تصرف املاک در فصل شانزدهم از رساله دوم کاملاً واضح است: زمین را نمی توان به زور به دست آورد. یک فاتح... قدرت مطلقه بر حیات مردمی که خود را در وضع جنگی قرار داده و باید تاوان آن را بپردازند، به دست می آورد. لکن او بدان وسیله حقی یا مالکیتی بر مستملکات آنها نمی یابد. هیچ شکی در این ندارم، گرچه این آموزه در نگاه نخست غریب می نماید... بنابراین، حق تسخیر و تصرف فقط بر جان افرادی که در جنگ شرکت کرده اند جاری می شود نه بر املاک آنها.<sup>۵۶</sup>

لاک هم در تجربه استعماری خود و هم در دو رساله اش اذعان نموده که استعمار مسالمت آمیز بیشتر یک آرمان است تا یک واقعیت؛ آرمانی که ملاکان در انگلستان بیش از مهاجران در جهان نو بدان اعتقاد دارند. لاک در فصل تصرف در «رساله دوم» تصریح می کند: «در بحث از سیطره بر کشورها چیزی مانوس تر از این نیست که... تسخیر... متضمن حق مالکیت است.»<sup>۵۷</sup> با این حال وی در نوشته های اقتصادی خود و فصل شانزدهم از «رساله دوم» امیدوار است یک الگوی تازه و ظاهراً «غریب» از استعمار ارائه کند که با موقعیت انگلستان تناسب بیشتری دارد. او در برخی ملاحظات چنین نتیجه گیری می کند: «حفظ حمل و نقل دریایی و تجارتمان، بیش از جنگ یا تصرف به مصلحت این پادشاهی است.»<sup>۵۸</sup>

قابل توجه است که لاک در دو رساله در ادامه استدلال خود می گوید که یک استثنا برای فاتحان و متصرفان که حق مالکیت بر زمین دیگران ندارند وجود دارد و آن زمانی است که زمین به صورت بایر مانده باشد. «جایی که زمین مازاد بر مستملکات و مورد استفاده ساکنان



هدف صریح وی در آنها دفاع از مستعمره داری انگلستان بوده است. بالاخره، ادعای قاطع لاک مبنی بر این که هنوز می‌توان وضع طبیعی را در آمریکا یافت، و به کار بردن عمدی و مکرر نام آمریکا و بومیانش در فصول مربوط به مالکیت و تصرف و تسخیر، حاکی از نیت وی برای اخذ نتایج کلی در مورد مالکیت و فعالیت‌های انگلستان در جهان نو، بطور اخص، است.<sup>۶۷</sup>

از این رابطه بین استعمار و نظریه حقوق طبیعی لاک می‌توان دو نتیجه کلی گرفت. نخست، نظریه مالکیت لاک نه تنها باید بعنوان پاسخی به پرسش‌های مطرح شده از سوی سررابرت فیلمر و توطئه‌های سیاسی داخلی وقت، بلکه به عنوان پاسخی به سئوالات مطروحه درباره منافع و مقاصد استعماری شافتمبری مجدداً مورد ارزیابی قرار گیرد. نتیجه کلی تردوم آن است که باید اذعان کرد نظریه حقوق طبیعی، بویژه در ارتباط با منشأ مالکیت خصوصی ریشه‌های تاریخی خاصی در استعمار جهان نو توسط انگلستان دارد. درحالی که مکفرسون و دیگران کوشیده‌اند استدلال کنند که نظریه لاک بازتاب «فردگرایی انحصارطلبانه» سرمایه‌داری اولیه است، واقعیت‌های تاریخی انگلستان قرن هفدهم که وجود چنین رابطه نظری را در بوته تردید جدی می‌افکند حاکی از ارتباط بسیار نزدیک و ملموس بین لاک و استعمار آمریکا می‌باشد.<sup>۶۸</sup>

رابطه‌های تاریخی و فلسفی نزدیک بین لیبرالیسم انگلیسی و سیاست استعماری را می‌توان از همین مقدمات استنباط کرد، حق طبیعی مالکیت از همان ابتدا چنان تعریف شده است که غیر اروپائیان از اعمال آن محروم می‌شوند. لاک در دفاع از مستعمرات انگلیس در برابر منتقدان در آن کشور، حق کار زراعی را خلق می‌کند که حتی منحصرأ انگلیسی و پروتستانی است. برخلاف فاتح اسپانیایی یا شکارچی بومی آمریکایی، کشاورز دوشنایری، موصوف در «رساله دوم»، تنها مالک و شهروند قانونی و مشروع است. او (کشاورز دوشنایری)، موجودی «ساعی و عاقل» است که لاک مدعی است خدا جهان را به وی عطا نموده است. این کشاورز انگلیسی با بکارگیری عقل و تلاشش، به نوبه خود، تنها عضو قانونی جامعه مدنی در حال تکوین می‌شود. هنگامی که از این منظر نگاه کنیم، تمایز بین وضع طبیعی و جامعه مدنی، و الغاء اولی بوسیله دوم، معنای تازه‌ای به خود می‌گیرد. بنا به نظریه لاک، انسان طبیعی یا همان سرخپوست را نمی‌توان برای پیوستن به جامعه مدنی یا دست کشیدن از اموالش مجبور نمود. تسخیر و تصرف نیز چنین حقی به فاتحان نمی‌دهد. در مقابل، لاک استدلال می‌کند که تنها بر پایه عقل و تلاش است که سرخپوست آمریکایی می‌تواند از یک انسان طبیعی به انسانی متمدن مبدل شود. لکن این گونه دگردیسی اجتناب‌ناپذیر بود. بنابراین، چنانچه چیرگی جامعه مدنی بر وضع طبیعی، که در بسط اندیشه لیبرالی بسیار مهم تلقی می‌شود، در بستر استعماریش که در آن به وجود آمده است ملاحظه شود، توجیهی فلسفی می‌شود هم برای غصب سرزمین سرخپوستان و هم برای جذب و استحاله «انسان طبیعی» در جامعه مدنی.

(فهرست منابع در دفتر ماهنامه موجود است)

وی در عبارتی تأمل‌انگیز راجع به توسعه مستعمرات یک کشور، به این نتیجه می‌رسد که اراضی باید به تناسب شمار افراد در دسترس گسترش یابد، و مستعمرات باید بر اساس قوانینی که آزادی و تلاش شهروندان را تضمین نماید پایه‌گذاری شوند.

شمار جمعیت را باید بر وسعت مستعمرات ترجیح داد و... گسترش اراضی و استفاده صحیح از آن بزرگترین هنر حکومت است. و آن شهریاری... دانا و خدای گونه است که با قوانین مدون، آزادی تلاش صادقانه نوع بشر را تشویق و آن را تضمین نماید.<sup>۶۵</sup>

از دید چایلد، دوننت و لاک، آزادی و تلاش تحت حمایت و حفاظت قوانین مدون، باید اساس حاکمیت استعماری انگلستان و جامعه مدنی هر دو باشد.

لذا لاک، مانند چایلد، مان و دوننت، معتقد است که تجارت خارجی و ایجاد مهاجرنشینان در خارج بهترین راه حل بحران اقتصادی انگلستان است. لکن انگلستان تنها در صورتی می‌تواند از عواید مستعمرات بهره‌مند شود که با اتخاذ شیوه خاصی از استعمار، مطابق با آنچه در نوشته‌های اقتصادی و «رساله دوم» توصیف شده است، به گونه‌ای مؤثر با هلند و اسپانیا به رقابت بپردازد. لاک همچون چایلد و دوننت، در دو رساله کار زراعی را تأیید و در مقابل شیوه مالکیت زمین از طریق تصرف و تسخیر را تقیح می‌نماید. او مانند مدافعان استعمار استدلال می‌کند که تصرف زمین باید به آنچه یک نفر می‌تواند کشت کند محدود شود، و این که وظیفه دولت تضمین آزادی و مالکیت است، که بخشی از این وظیفه با بهره‌برداری صحیح و مؤثر از چنین زمین‌هایی انجام می‌گیرد. بالاخره لاک بدین نتیجه می‌رسد که استعمار موجب اشتغال هم در بخش تولیدات صنعتی و هم در بخش صنایع دریایی در انگلستان می‌شود. از این رو، زمانی که تمام فعالیت‌های صنعتی زیربط در محاسبات لحاظ شود، ارزش یک جریب زمین در آمریکا بسیار قابل توجه خواهد بود.

درحالی که استدلال‌های لاک در دو رساله می‌تواند بازتاب استدلال‌های مدافعان استعمار انگلیسی باشد، می‌توان پرسید که لاک در نگارش فصل پنجم در باب مالکیت و فصل شانزدهم در باب تسخیر و تصرف تا چه حد چنین مقصودی را تعقیب می‌کرده است. تعیین نیت یک نویسنده در هر زمان دشوار است، اما به هنگام نزاع و درگیری‌های سیاسی، که نویسندگان حتی منکر تألیفات خود می‌شوند، این کار بیش از همیشه دشوار است. و چنین است وضع در مورد دو رساله لاک. او نه تنها از قبول نویسندگی آن ابا کرد، بلکه «تمام یادداشتهای مربوط به این کتاب را از بین برد و هرگونه اشاره‌ای به وجود آن را در مقالات خود حذف نمود.»<sup>۶۶</sup> پاسخ این پرسش را که آیا هدف لاک از نگارش دو رساله دفاع از شکل انگلیسی استعمار است یا نه، فقط می‌توان بر اساس قرائن و شواهد غیرمستقیم داد. اولاً با توجه به مخالفت همه‌جانبه با اهداف شافتمبری، لاک برای طرح دفاعیه‌ای در دو رساله انگیزه‌ای قوی داشت. ثانیاً، استدلال‌های مطرح شده در فصل پنج «رساله دوم» در یادداشتها و مقالات لاک راجع به تجارت نیز وجود دارد. می‌دانیم که